



گزارش «بازارکار»
از یک الگوی
موفق کارآفرینی
روستایی:

روایت زنی که زمین بایر
خام را به کانونی برای
صادرات و راهی برای
اشتغال زنان تبدیل کرد



وی درآمدی افزود: اما هدف من اثبات یک نظریه بود؛ اینکه می‌توان با تکیه بر دانش بومی و احیای هویت کهن، ثروت پایدار خلق کرد. ما آستین‌ها را بالا زدیم و با استفاده از مصالح طبیعی منطقه و با الهام مستقیم از خانه ارباب‌های کهن گیلان، بنایی خلق کردیم که کاملاً اصیل، سنتی و منطبق بر الگوهای پایداری اقلیمی بود. مسیر آسانی نبود؛ شکستن مقاومت‌های ذهنی، تغییر نگرش‌ها و طی کردن فرایندهای پیچیده اداری دو سال به طول انجامید تا سرانجام در سال ۱۳۹۵ موفق شدیم نخستین پروانه رسمی بهره‌برداری اقامتگاه بوم‌گردی در استان گیلان را از نهادهای متولی دریافت کنیم و رسماً سنگ‌بنای این صنعت نوپا را در این پهنه سرسبز بگذاریم.

برندسازی با صداقت، شبکه مسافران و انتقال تجربه به نسل آینده کارآفرینان

راهنمایی فیزیکی یک طرح کارآفرینی روستایی تنها بیست درصد از مسیر است؛ هشتاد درصد باقی‌مانده در بازارسازی، ایجاد اعتماد و تبدیل مسافر به سفیر برند نهفته است.

بردبار در این زمینه تصریح کرد: پس از افتتاح، سیل مسافران ایرانی و توریست‌های خارجی راهی مرز دشت شدند. بازار یابی ما پرهزینه نبود، بلکه مبتنی بر صداقت، کیفیت خدمات و تعامل عمیق انسانی با مهمانان تعریف شد. رفتار احترام‌آمیز، پاسخ‌گویی سریع و معرفی واقعی جاذبه‌ها باعث شد اقامتگاه مرز دشت دهان‌به‌دهان بچرخد. وقتی مهمانی احساس کند عضوی از یک خانواده روستایی است و نه صرفاً یک منبع درآمد، تا سال‌ها وفادار باقی می‌ماند.

وی که هم‌اکنون تجربیات خود را در مقیاس ملی به اشتراک می‌گذارد، افزود: «با توسعه زیرساخت‌های بوم‌گردی در کشور، نیاز به انتقال تجربه به متقاضیان جوان بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود. به همین دلیل به عنوان مشاور تخصصی حوزه بوم‌گردی به سامانه کارآفرینی «میدون» پیوستم. امروز متقاضیان از سراسر ایران پیش از آنکه دست به سرمایه‌گذاری‌های نسنجیده بزنند، تماس می‌گیرند تا نقشه راه واقعی کسب‌وکار را مرور کنیم؛ مسائلی نظیر اینکه چگونه با دست خالی سازه بومی بسازند، چگونه مجوز بگیرند، چگونه با روستاییان همسایه هم‌افزایی کنند و چگونه در زمستان‌های کم‌مسافر تاب بیاورند.

اقتصاد مقاوم در تلاطم تنش‌های منطقه‌ای؛ عبور از بحران با تکیه بر تولید و صادرات

در سال‌های اخیر، تنش‌های منطقه‌ای، بی‌ثباتی‌های ناشی از شرایط جنگی در خاورمیانه و نوسانات اقتصادی، همواره صنعت توریسم را با افتوخیزهای شدید روبه‌رو کرده است. در مقاطعی که ناامنی‌های منطقه‌ای و شوک‌های برون‌زا جریان ورود گردشگران خارجی و حتی مسافرت‌های داخلی را کند می‌کند، بسیاری از مجموعه‌های گردشگری دچار رکود و ورشکستگی می‌شوند. اما در مرز دشت، این چالش‌ها با یک تغییر تاکتیک هوشمندانه مدیریت شد: «خروج از وابستگی صرف به خدمات اقامتی و ورود به میدان تولید و صادرات صنایع دستی. این بانوی کارآفرین با لحنی حاکی از استواری و دوراندیشی اظهار کرد: «تنش‌های سیاسی-نظامی در منطقه و شرایط ناپایدار اقتصادی، همواره نبض توریسم را دچار شوک می‌کند. وقتی سایه بحران‌های جنگی و نوسانات بر بازار می‌افتد، تقاضای سفر کاهش می‌یابد و فعالان این حوزه آسیب می‌بینند. ما نیز در دوره‌هایی ناچار شدیم ساختار نیروی انسانی مستقیم خود را بازآرایی کنیم. اما یک کسب‌وکار بومی اصیل هرگز نباید متوقف شود. در مقاطعی که جریان سفرها افت می‌کرد، به جای انفعال، تمام توان مجموعه را به سمت تولید متمرکز صنایع دستی و رفع نواقص زیرساختی شیف‌ت دادیم.

شبکه مویرگی مشاغل خانگی؛ معیشتی که از اقامتگاه به ۳۰ خانه سرریز می‌شود

یکی از نقدهای همیشگی به طرح‌های گردشگری، محبوس ماندن ثروت در دست صاحب تأسیسات و محرومیت اهالی بومی از منافع مالی است. اما ساختار اقتصادی این بوم‌گردی، یک نقشه راه متفاوت ارائه می‌دهد. بزرگ‌ترین مساحت زیربنایی این مجموعه، نه به سونیت‌های اقامتی، بلکه به یک «فروشگاه دائمی صنایع دستی و سوغات روستایی» اختصاص یافته است.

بردبار در تشریح این مدل زنجیره ارزش محلی گفت: کارآفرینی در روستا زمانی پایدار است که مردم محلی احساس کنند هرچه پای گردشگر به این روستا بیشتر باز شود، سفره آن‌ها رنگین‌تر خواهد شد. اگر گردشگر بیاید و منافعی فقط در جیب من برود، تنش‌های اجتماعی آغاز می‌شود. به همین دلیل، ما شبکه‌ای زنجیره‌ای از ۲۰ تا ۳۰ نفر از بانوان توانمند و سرپرست خانوار روستای مرز دشت و مناطق مجاور ایجاد کرده‌ایم. این بانوان در آramش خانه‌های خود محصولات صنایع دستی، بافته‌های حصیری، چای محلی اعلا، زیتون پرورده، سیرترشی هفت‌ساله و مشتقات باغی را فرآوری می‌کنند.

وی افزود: ما بازار این محصولات را در فروشگاه اقامتگاه تضمین کرده‌ایم. مسافرانی که اینجا اقامت می‌کنند، بدون نیاز به گشت‌وگذارهای پرهزینه، تمام سوغات مورد نیاز خود را به صورت ارگانیک و با اصال‌ت تضمین‌شده از همین غرفه تهیه می‌کنند. پول مستقیماً از جیب مسافر به حساب این زنان واریز می‌شود. این یعنی اقتصاد پایدار خرد؛ یعنی تثبیت جمعیت در روستا و قطع مهاجرت به حاشیه شهرها از طریق عزت‌نفس اقتصادی.

افق پیش‌رو: توسعه فیزیکی و پیوند دادن مهمانان به ژئوپلیتیک گردشگری گیلان

خمام به عنوان منطقه‌ای میانی و پیونددهنده میان کلان‌شهر رشت و سواحل بندرانزلی، موقعیتی ژئوپلیتیک و طلائی در نقشه گردشگری شمال کشور دارد.

این کارآفرین نمونه با اشاره به برنامه‌های پیش‌روی مجموعه خود بیان کرد: طرح توسعه فیزیکی اقامتگاه هم‌اکنون روی میز قرار دارد و به‌زودی با ساخت سونیت‌های جدید و اضافه کردن کارگاه‌های تعاملی، ظرفیت پذیرش اقامتگاه را ارتقا خواهیم داد. هدف ما محبوس کردن مسافر در چار دیواری اقامتگاه نیست، بلکه مأموریت داریم گردشگر را به دل جاذبه‌های بیرونی هدایت کنیم؛ از قایق‌سواری در تالاب انزلی و بازدید از معماری موزه میراث روستایی سروان گرفته تا شگفتی‌های بازار هفتگی یکشنبه‌بازار خمام، بازار روز ماهی‌فروشان و دهکده‌های سبزی‌های معطر محلی. ما نقشه و لوکیشن دقیق این نقاط را پیش از ورود به مسافران ارائه می‌دهیم تا چرخه اقتصاد اصناف شهری و بازارهای دست‌فروشی گیلان نیز با حضور مهمانان ما به حرکت درآید.

وی با نقدی دوستانه نسبت به همکاران صنفی خود تأکید کرد: از تمام همکاران بوم‌گردی در استان گیلان تمنا دارم که صداقت و شفافیت اطلاعاتی را سرلوحه کار خود قرار دهند. یک بر خورد ناشایست، یک قیمت‌گذاری غیرمنصفانه یا رفتار زننده در یک اقامتگاه، کل برند گردشگری استان گیلان را لکه‌دار می‌کند. ما باید سفیران شایسته‌ای برای مهمان‌نوازی تاریخی مردم گیلان باشیم.

انقلاب در ذائقه؛ چرا در این اقامتگاه بوی دود کباب به مشام نمی‌رسد؟

یکی از جسورانه‌ترین تصمیمات مدیریتی لیلا بردبار، طراحی منوی غذایی این اقامتگاه بر پایه حذف کامل کباب‌های رستورانی و بازگشت به خوراک‌های مادر بزرگ‌های گیلانی است.

وی در این باره توضیح داد: در اقامتگاه ما چیزی به نام کوبیده یا جوجه‌کباب سرو نمی‌شود. این کباب‌ها در هر رستوران بین‌راهی یا تالار شهری در دسترس است. اگر مهمانی به بوم‌گردی مرز دشت آمده، حتی دارد سفره اصیل و میراث ناملموس غذایی یونسکو در گیلان را تجربه کند. شخصاً پای دیگ‌های مسی می‌ایستم و برای مهمانان، غذاهای ارگانیک و کهن محلی طبخ می‌کنم؛ از انار بیج پر از سبزی‌های جنگلی، خورش فسنجان اصیل سیاه، مرغ ترش بارب ازگیل، شامی ترش ترد و سیرقلیه معطر گرفته تا میرزا قاسمی روی زغال و آلو مسما با برنج هاشمی شالیزارهای بومی منطقه. این شیوه نه تنها هویت فرهنگی رازنده نگه می‌دارد، بلکه باعث می‌شود اقامتگاه ما مشتری مستقیم برنج‌کار، پرورش‌دهنده اردک و زناانی باشد که در باغچه‌هایشان سبزی‌های سنتی چوپاق و کوتکوتو می‌کارند.

کلام پایانی: کلید اشتغال پایدار در جعبه ابزار بوم‌گردی

غروب پاییزی که بر شالیزارهای روستای مرز دشت سایه می‌افکند و نور ملایم فانوس‌های ایوان چوبی در کاهگل دیوارها منعکس می‌شود، دستاوردهای این گزارش میدانی بیش از هر سندی ارزش خود را عیان می‌سازد. در «روز جهانی گردشگری»، روایت پیشگامانی چون لیلا بردبار برای تصمیم‌گیران حوزه کار و اشتغال کشور حامل پیامی روشن و قاطع است: توسعه لزوماً از دودکش کارخانه‌های پرهزینه و طرح‌های مقلدانه صنعتی آغاز نمی‌شود.

گاهی بزرگ‌ترین گره‌های رکود معیشتی و معضل بیکاری جوانان و زنان روستایی، به دست کارآفرینانی گشوده می‌شود که خاک، هنر و فرهنگ نیاکان خود را باور دارند. ■ گزارش: لیلا قرقنلی